

نام درس : روان شناسی شخصیت

تدوین : استاد فرج پور

با همکاری و مطالعات دانشجویان رشته مشاوره -دانشگاه فرهنگیان امام خمینی سلماس

(مرحله اول)

نظریه پرداز مفاهیم	فروید	یونگ	آدلر	هورنای	روابط شی کوهات	روان شناسی من
غرایز	غرایز زندگی مثل نیاز جنسی غرایز زندگی مثل نیاز به پرخاشگری		غایت نگری عقده حقارت عقده برتری	نیاز ارضا و ایمنی	نشان دادن خود عالی- نیاز به کسب تصویری آرامانی از یک یا هر دو والد	لیبیدو
ساختار شخصیت	نهاد، من، فرامن	از ترکیب ۲ نگرش و چهار کارکرد تیپ تشکیل شده و از تیپ ها شخصیت به وجود می آیند		تاکید او بر عوامل اجتماعی و نقش دوران کودکی در تشکیل شخصیت	ارتباطات انسان اساس شخصیت است-هسته اصلی شخصیت، خود است	نهاد-من-فرامن با این تفاوت که با هم در تعارض نیستند
اصول و فرضیه های اساسی	غرایز سرکوب شده به ناخودآگاه می روند و باعث ایجاد اختلالات روانی می شود	اصل تضاد، هم ارزی و افت اصل همزمانی	احساس حقارت سرچشمه تمام تکاپوی ماست	او سه سنخ شخصیتی افراد روانرنجور را تعلیم گر، پرخاشگر و گسسته تبیین کرد	کودکان نه به ارضای نیاز جسمانی بلکه به برآوردن نیازهای روانی محتاج اند	او پایه نظریه خود را بر ایگو و سازش فرد با محیط به کمک کنشهای ایگو بنا کرد
اضطراب	هر گاه من، بیش از حد تحت فشار قرار گیرد، اضطراب پدید می آید که من را متوسل می کند			اضطراب اساسی که از احساس تنها بودن و درمانگی پدید می آید، اساس همه روانجوری هاست		

مکانیسم ها دفاعی	۱) سرکوب گری ۲) انکار ۳) فرافکنی ۴) جابجایی ۵) واپس رویی	افت، تضاد، هم ارزی		جلب توجه دیگران، زیر سلطه دیگران قرار گرفتن، کسب قدرت، کناره گیری از دیگران	عقلانی سازی
مراحل روانی - جنسی	دهانی - مقعدی - آلتی - نهفتگی - تناسلی			همان مراحل فروید با کمی تفاوت در مرحله آلتی	
ماهیت انسان	موجودی عاری از اختیار که رفتارهای او ناشی از عقده های بچگی اوست	او به نسبت فروید دیدگاه خوشبینانه تر و کمتر جبرگرایانه داشت	برداشت او از طبیعت آدمی امید وار کننده تر از تصویر فروید از انسان است	هر فردی شخصیتی منحصر به فرد دارد و لزوماً محکوم به تعارض و اضطراب نیست	انسان موجودی است که اهداف و ارزش های از تلاش او برای رسیدن به آن ها پیشی می گیرد
تکنیک های مورد استفاده	تداعی آزاد-تحلیل رویا	بررسی نماد ها، اسطوره ها و... تداعی آزاد، تحلیل رویا، تحلیل نشانه ها			
تطابق فرهنگی	عدم وجود تطابق بین فرد و جامعه		از بین سنخ های مختلف، تنها سنخ سودمند اجتماعی می توانند خود را با جامعه تطبیق دهد.	فرد محکوم به عدم تطابق نیست و می تواند خود را با جامعه تطبیق دهد	تطابق به تدریج با رشد ایگو در فرد پدید می آید

		انسجام نظریه فروید را ندارد و تحت تاثیر فرهنگ طبقه متوسط آمریکا قرار دارد	سادگی بین از حد، ناهمسانی، اتکای بیش از حد به عقل سلیم و وجود سوالات بی پاسخ	فقدان نظم و استفاده از منابع مرموز و دشواری درک مفاهیم	به خاطر تاکید بسیار بر عامل جنسی، پرخاشگری و دوران کودکی مورد انتقاد قرار گرفته است	نقد نظریه (پژوهش های موجود – اعتباریابی)
--	--	--	---	---	--	--

مفاهیم	نظریه پرداز	رفتارگرایی کلاسیک	رفتارگرایی پاسخگر	بندورا	راتر	میشل
غرایز	غرایز چون منشا وارثی دارند در این دیدگاه رد می شوند					
ساختار شخصیت	شخصیت محصولی است از محیط و اجتماع	قابلیت تغیر به شکل مورد نظر را داراست	آموختن از طریق الگو به صورت عمدی یا تصادفی		متغیر های موقعیتی و متغیر های شخصی	
اصول و فرضیه های اساسی	شرطی سازی کلاسیک تعمیم افتراق	شرطی سازی عامل خاموشی	یادگیری از طریق مشاهده رفتار دیگران هم میتواند صورت گیرد	مفاهیم اصلی نظریه او عبارت اند از: پتانسیل رفتار، انتظار، ارزش تقویت، موقیت تقویت	ثابت بودن بعضی صفات و متغیر بودن بعضی دیگر از موقعیتی به موقعیت دیگر	
اضطراب	از شرطی شدن به چیز خاصی ناشی می شود.					
مکانیسم های دفاعی				کنترل درونی	خودکنترلی	
مراحل روانی -جنسی			۱.سرمشق گیری محدود به تقلید بلافاصله ۲.درونی شدن تقویت و ادامه یافتن رفتار با تقلید خود			
ماهیت انسان	انسان در بدو تولد مانند لوح سفیدی است که محیط شخصیتش را شکل می دهد.	رفتار های انسان مثل سیستمی که قابلیت برنامه نویسی دارد قابل شکل دهی به صورت دلخواه است	هدف نهایی، تنظیم معیار های واقع بینانه عملکرد است به طوری که سطح خودکارآمدی مطلوب ما را حفظ کند.	انسان موجودی است که در تلاش است تقویت های مثبت خود را به حداکثر برساند.		
تکنیک های مورد استفاده	شرطی سازی کلاسیک	شرطی سازی عامل یا کنشگر	الگو برداری - مشاهده	مصاحبه، فنون فرافکن، مشاهده مستقیم رفتار،	مشاهده رفتار	

	پرسش نامه های خودسنجی				
	انسان رفتار خود را از طریق تجربه اجتماعی می آموزد در نتیجه با جامعه تطابق دارد	تطابق نسبی با فرهنگ جامعه	با فرهنگ تطابق دارد	با فرهنگ تطابق دارد	تطابق فرهنگی
	به خاطر ذهنی بودن زیاد و تاکید بیش از حد بر متغیر های شناختی مورد انتقاد است	بخاطر تاکید بر رفتار آشکار به قیمت کنار گذاشتن علل درونی مورد انتقاد قرار گرفته است.	همچنان انتقاد وارده بر کلاسیک به این دیدگاه هم وارد است	تنها به رفتار آشکار توجه دارند.	نقد نظریه (پژوهش های موجود – اعتباریابی)

نظریه پرداز مفاهیم		آیزنک	کتل	آلپورت	پنج عامل مک کری	کوستا
تعریف شخصیت	آیزنک معتقد است که خواسته های بیولوژیکی همراه با شرطی سازی اجتماعی شدن در دوران کودکی برای ایجاد شخصیت ترکیب شده اند.	شخصیت چیزی است که امکان پیش بینی آنچه را که شخص در یک موقعیت معین انجام خواهد داد می دهد.	شخصیت همان عواملی می باشد که یک انسان واقعا هست .	پنج عامل اصلی بیانگر ساختار مشترک شخصیت انسان هستند .	پنج عامل اصلی بیانگر ساختار مشترک شخصیت انسان هستند .	
قلمرو شخصیت	آیزنک طبقه بندی شخصیت نظریه ی خود را بر مبنای تحلیل عاملی وزیست شناسی استوار کرد.	هدف کتل از مطالعه ی شخصیت پیش بینی کردن رفتار است .	آلپورت در رویکرد خود به شخصیت بر تاثیر موقعیت فعلی شخص تاکید کرد .			
بنیادهای زیستی، فرهنگی و تحول شخصیت	تفاوت های فردی در شخصیت افراد جنبه ی زیستی و نه صرفا روان شناختی شخصیت است .	کتل پرسشنامه شانزده عاملی شخصیت رایبه عنوان عوامل بنیادی شخصیت انسان مشخص کرد .				
شخصیت به عنوان یک سیستم پیچیده	برون گرابی – روان رنجور خویی- روانپزش خویی	مراحل رشد شخصیت : نوباوگی ، کودکی ، نوجوانی، بالیدگی ، اواخر بالیدگی ، پیری	مراحل رشد : خود بدنی، هویت خود، عزت نفس، گسترش خود ، خود انگاره ، خود به عنوان حریفی عاقل، تلاش شخصی ، بزرگسالی			
پژوهش در شخصیت		کتل در تحلیل علمی شخصیت به جای استفاده از روش فرضی – قیاسی از روش قیاسی استفاده کرد .	آلپورت طرفدار رویکرد فردنگر است یعنی بررسی مورد فردی .	پژوهشگران دیگر با دنبال کردن سرنخ های که مک کری و کاستا فراهم کرده بودند فهرستهای صفتی را درست کردند.	پژوهشگران دیگر با دنبال کردن سرنخ های که مک کری و کاستا فراهم کرده بودند فهرستهای صفتی را درست کردند.	
ماهیت انسان	آیزنک به طبیعت و پرورش توجه دارد.	کتل هم تاثیر طبیعت و هم تربیت را می پذیرد .	آلپورت معتقد بود که هم وراثت و هم محیط بر شخصیت تاثیر دارند .			

تکنیک های مورد استفاده	پرسشنامه شخصیت مادزلی ، پرسشنامه شخصیت ایزنک، آزمون شخصیت ایزنک ، آزمون شخصیت ایزنک -تجدید	یادداشت های زندگی ، پرسشنامه ها، آزمون ها	تشخیص سرشتی،مدارک شخصی ،خود سنجی ، تحلیل رفتار ،درجه بندی ها، آزمون ها، شیوه های فرافکن ، تحلیل عمقی، رفتار بیانگر، شیوه های خلاصه ای	پرسشنامه شخصیت	پرسشنامه شخصیت
تطابق فرهنگی	تطابق فرهنگی دارد.	تطابق فرهنگی دارد .	تطابق فرهنگی دارد .	تطابق فرهنگی ندارد .	تطابق فرهنگی ندارد .
نقد نظریه (پژوهش های موجود- اعتباریابی	_____	_____	روش پژوهش الپورت فردنگر است و به دلیل تمرکز زیاد بر فرد مورد انتقاد است .	_____	_____

نظریه پرداز مفاهیم	آبراهام مازلو	کارل راجرز
تعریف شخصیت	شخصیت را اراده فرد و میزان فراهم بودن امکانات برای رسیدن به سطوح بالای سلسله نیاز ها شکل می دهند.	خود پنداره ما که در پرتو تایید یا عدم تایید دیگران از رفتار های ما شکل می گیرد تصویر ما را از آنچه هستیم، آنچه باید باشیم و آنچه می خواهیم باشیم را تشکیل می دهد.
قلمرو شخصیت	سلسله نیاز های مازلو از پایین به بالا به این صورت است: نیاز های فیزیولوژیک-نیاز های ایمنی-نیاز های تعلق داشتن و عشق-عزت نفس-خودشکوفایی	
بنیاد های زیستی ،فرهنگی و تحول شخصیت	اگر چه شخصیت تحت تاثیر محیط و وراثت است اما تاثیر آن ها به صورت جبری نیست و انسان دارای اراده آزاد است.	تاثیر بیشتر محیط از وراثت بر شکل گیری شخصیت

شخصیت همه انسان ها مشترکاتی دارند از جمله وجود سلسله ای از نیاز های غریزی و داشتن خود ایده آل در فطرت آنها که باعث تلاش برای شکوفایی آن کنند.	انسان موجودی منطقی و هشیار است که به وسیله نیرو های ناهشیار یا تجربه های گذشته کنترل نمی شود و هدف کلی او خودشکوفایی است که یک تمایل فطری است.
پژوهش در شخصیت	بیشتر پژوهش های او در زمینه سلسه مراتب نیاز انسان و یافتن معیاری برای یک فرد خودشکופا بوده است.
ماهیت انسان	برداشت مازلو از ماهیت انسان خوشبینانه است. او بر اراده آزاد تاکید دارد. انسان از دیدگاه او، توانایی غلبه بر تجربه های دوران کودکی را دارد و بر وجود یک خیر فطری در ماهیت انسان ها تاکید می ورزد که نیاز به بروز و شکوفایی دارد.
تکنیک های مورد استفاده	مصاحبه، تداعی آزاد، فنون فرافکن، استفاده از شرح حال
تطابق فرهنگی	انسان با اراده آزادش می تواند خود را با جامعه تطبیق دهد.
نقد نظریه (پژوهش های موجود - اعتباریابی)	مازلو به خاطر استفاده از نمونه کوچکی که نظریه خود را بر آن بنا کرده و مشخص نبودن معیار های فرد خودشکופا مورد انتقاد قرار گرفته.
نظر شخصی دانشجو	وجود چنین سلسله نیاز هایی در جوامع مشهود است زیرا به کودک متولد شده در خانواده فقیر که به میزان کافی، فرصت ارضای نیاز های اولیه خود را نمی یابد شانس کمتری برای خود شکوفایی به نسبت کودک متولد شده در خانواده مرفه دارد. بنابراین با این جنبه از نظرات او موافقم. اما به نظر من بیش از حد درباره ماهیت انسان ها خوشبین بوده است.
	او ادعا می کند تمایل به خودشکوفایی، رشد و نمو اندام ها را هم تسهیل می کند که از نظر من این ادعا منطقی نیست. او تاثیر کودکی را بر آینده شخص تعیین کننده نمی داند که با او مخالفم.